

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۰۱/۳۱
تاریخ بررسی مقاله: ۱۳۸۸/۰۲/۲۹
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۰۶/۲۶

مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز
بهار ۱۳۸۹، دوره ۱ ششم، سال ۱۷-۲
شماره ۱، صص: ۲۶-۳

تعلیم و تربیت در راستای همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه:

بررسی هدفی تربیتی

سید جلال هاشمی *

محمدجعفر پاک‌سرشت **

مسعود صفایی مقدم ***

حسین سپاسی ****

یداله مهرعلی‌زاده *****

چکیده

در این مقاله، همزیستی مسالمت‌آمیز به عنوان هدفی تربیتی معرفی شده که از حمایت سه مبنای علمی و یافته‌های پژوهشی، مبنای فلسفی-تربیتی عملگرایی، و مبنای اسلامی برخوردار است. در مقاله‌ی حاضر، الگویی کامل‌تر از همزیستی، یعنی همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه به مثابه هدفی تربیتی ارائه شده که متناسب با نظام آموزشی و فرهنگ کشورمان است. اجزاء یا چارچوب این هدف را به لحاظ مفهومی، تعلیم و تربیت در راستای همزیستی حداقلی عادلانه، سازش عادلانه میان گروه‌ها، همزیستی حداکثری عادلانه و تعلیم و تربیت در راستای ایجاد جامعه متعادل تشکیل می‌دهد که در هر چهار مرحله، بر تغییر، اصلاح، یا شکل دادن ذهنیت روانی-اجتماعی افراد و گروه‌ها در جهت همزیستی، و آموزش در راستای پذیرش وجود و حقوق دیگران، و نهایتاً آموزش و جلب توجه برای تلاش در جهت تحقق زیست مسالمت‌آمیز عادلانه تأکید شده است. در مرحله آموزش همزیستی، درونی سازی ارزش‌ها، مهارت‌ها و رفتارهای همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه فرایندی است که طراحان و مجریان برنامه‌ها باید در آن مسیر بکوشند.

واژه‌های کلیدی: همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه، هدف تربیتی، آموزش همزیستی مسالمت‌آمیز، کاهش خشونت در مدرسه.

* دانشجوی دکتری فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده‌ی مسئول)

J.hashemi@scu.ac.ir

Pakseresht@scu.ac.ir

Safaei_m@scu.ac.ir

Sepasi@scu.ac.ir

Mehralizadeh_y@scu.ac.ir

** استاد بازنشسته دانشگاه شهید چمران اهواز

*** دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز

**** استاد بازنشسته دانشگاه شهید چمران اهواز

***** استاد دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

در قلمرو روابط میان گروهی، مفاهیم مختلفی مانند تحمل^۱، چند فرهنگ‌گرایی^۲، آشتی^۳، سازش^۴ و همزیستی^۵ برای توصیف روابط مثبت میان گروه‌ها پیشنهاد شده‌اند. فرض زیربنایی این مفاهیم آن است که نظام روابط میان گروه‌ها که در حال حاضر در بسیاری از کشورها رایج است رضایت‌بخش نیست و نیاز است که آن روابط تغییر یا حداقل بهبود یابد. بنابراین، واژه‌ی تعلیم و تربیت^۶ اغلب به این مفاهیم (یعنی، آموزش صلح و تعلیم و تربیت برای همزیستی^۷) به دو منظور پیوند خورده است. نخست به منظور توصیف تلاش‌های مؤثر برای آموزش مردم در جهت ارزش دادن و اشتیاق به صلح و همزیستی و دوم به منظور آموختن زیستن بر مدار صلح و همزیستی، از طریق تأمین باورها، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری همسان. به عبارت دیگر، در این عرصه کاربست فرایندهای تربیتی برای انتشار ایده‌های مسالمت‌جویانه لازم دانسته شده است؛ زیرا اگر مردم خواهان تحقق آموزه‌های همزیستی هستند باید نسبت به آنها آگاه شوند و تشویق گردند که از تلاش‌ها برای تحقق بخشیدن به همزیستی حمایت کنند.

در طول تاریخ و به ویژه در قرن اخیر، روابط میان گروهی مثبت با چالش‌هایی مواجه و به دلایلی مستعد از هم پاشیدن، بوده است. می‌توان ریشه‌های روابط میان گروهی منفی را به دو دسته کلی تقسیم کرد: ریشه‌های قوم‌پرستانه^۸ و ریشه‌های تعارض^۹؛ این ریشه‌ها غالباً مکمل یکدیگرند. الف) ریشه‌های قوم‌گرایانه بر اساس اعتقادات گروه در برتری‌انگاری خود است. قوم‌گرایی هنگامی رخ می‌دهد که اعضای جامعه باورهای عمده‌ی درباره‌ی داشتن نژاد، صفات، خصلت‌ها، دین، میراث یا فرهنگ دارند که آنها را والاتر از گروه‌های دیگر، و گروه‌های دیگر را در همه یا برخی از مشخصه‌ها پایین‌تر از آنان قرار می‌دهد. این باورهای برتری‌طلبانه اغلب از ایدئولوژی‌های^{۱۰} متفاوت ناشی می‌شوند. برای مثال گاهی اوقات آنها

-
- 1- tolerance
 - 2- multi-culturalism
 - 3- peace
 - 4- reconciliation
 - 5- coexistence
 - 6- education
 - 7- education for coexistence
 - 8- ethnocentric origins
 - 9- conflict origins
 - 10- ideology

بخشی از ایدئولوژی نژاد پرستانه‌اند، مانند مورد آلمان نازی؛ گاهی اوقات بخشی از ایدئولوژی سیاسی-اقتصادی‌اند، مانند مورد روابط شوروی پیشین و امریکا؛ گاهی اوقات بر اساس اعتقادات مذهبی‌اند، مانند حالت روابط هند و -مسلمان در هندوستان؛ یا گاهی اوقات بر اساس ایدئولوژی ملی‌اند، مانند مورد روابط روس‌ها-استونیایی‌ها در استونی. به علاوه، این باورهای قوم‌گرایانه نه تنها زیربنای نگرش‌های متعصبانه^۱ را تشکیل می‌دهند، بلکه اغلب به سوء استفاده، تبعیض^۲ و کشتار جمعی و حتی به پاکسازی قومی و قتل عام^۳ نیز می‌انجامند (بارتال^۴، ۲۰۰۴: ۴). ب) روابط منفی میان گروه‌ها همچنین می‌تواند به تدریج به عنوان نتیجه‌ی تعارض میان گروه‌ها شکل بگیرد و آشکار شود. تعارض به عنوان نتیجه‌ی اهداف و علایق متناقض بین گروه‌ها بر سر خاک، منابع، اقتصاد، دین، ارزش‌ها و غیره آشکار می‌شود. بدیهی است که تعارض بخش جدانشدنی روابط میان گروه‌هاست، و به طور پیوسته در هر رابطه میان گروهی پدیدار می‌گردد. یک مثال از نوع تعارض شدید میان گروه‌ها در چند دهه‌ی اخیر تعارضات بین یهودیان اسرائیلی و اعراب مسلمان بر سر مسائل متعدد در فلسطین اشغالی است.

همزیستی حالتی ذهنی - و در عین حال رفتاری- است که اعضای یک جامعه در آن شریکند و حقوق گروه دیگر را به عنوان یک شریک مشروع و برابر که بایستی اختلافات فی مابین را به شیوه‌های غیرخشونت‌آمیز با آنها حل کرد به رسمیت می‌شناسند. بنابراین با همزیستن به طبقه‌ی کم‌ترین روابط میان گروهی مثبت^۵ تعلق دارد و عمدتاً برای یک حالت روابط بین دو کشور مختلف که در نتیجه‌ی یک تعارض مهارناپذیر^۶ زندگی می‌کنند به کار می‌رود. همچنین ترویج ایده‌ی همزیستی برای روابط میان گروهی داخل یک کشور که در آن، یک گروه دیگر را مورد استثمار و تبعیض قرار داده (مانند روابط بین یهودیان و فلسطینی‌ها در فلسطین اشغالی) کاربرد دارد. نوع اخیر همزیستی کم‌تر پسندیده^۷ است، زیرا ممکن است اشاعه‌ی همزیستی به عنوان داشتن هدف همیشگی کردن روابط نابرابرانه و

-
- 1- attitudes of prejudice
 - 2- discrimination
 - 3- ethnic cleansing and genocide
 - 4- Bar-tal
 - 5- minimal positive intergroup relations
 - 6- intractable conflict
 - 7- less desirable

تبعیض‌آمیز در چارچوب ترویج ایده با هم‌زیستن در نظر گرفته شود (همان، ص ۶). گروه‌های ضعیف‌تر (به لحاظ عدم دسترسی به ابزار قدرت سیاسی) همواره نگرانند که با دست‌آویز ترویج همزیستی، تبعیض و استثمار در اجتماع نهادینه و تثبیت شود و تداوم یابد. از این رو نسبت به برنامه‌های آموزش همزیستی مشکوکند.

بنابراین، آموزش با هم‌زیستن به یک نقطه‌ی شروع برای آغاز کردن روابط میان گروهی مثبت و تلاش برای تقویت آن در اجتماع و در میان گروه‌ها اشاره می‌کند؛ روابطی که تنها پیش نیاز روابط عمیق‌تر و پیشرفته‌تر میان گروه‌هاست و به آرزوهای بشر برای ایجاد روابط هماهنگ (یعنی آشتی پایدار و با دوام) مربوط می‌شود. در مقاله‌ی حاضر ضمن کوشش برای تشریح ماهیت همزیستی، سعی می‌شود همزیستی در قالب و ابعاد جامع‌تری به عنوان هدفی تربیتی معرفی گردد. سپس مبانی علمی، اسلامی و فلسفی این هدف تربیتی تعیین و بررسی می‌شود و در آخر رویکردهای تعلیم و تربیت در راستای همزیستی مسالمت‌آمیز^۱ ارائه می‌گردد.

مفهوم و ماهیت همزیستی مسالمت‌آمیز

همزیستی به عنوان گامی مقدماتی در مسیر تحقق سازش^۲، انسجام اجتماعی، آشتی و عدالت در اجتماع است و برای تقویت روابط میان گروه‌ها درون یک کشور، باید به مراحل بالاتر و پیشرفته‌تر بعد از تحقق همزیستی نیز -یعنی سازش و آشتی میان گروه‌ها- توجه نمود (بارتال، ۲۰۰۴: ۸؛ خامین‌وا^۳، ۲۰۰۵: ۴؛ کوهن^۴، ۲۰۰۴: ۱۰؛ کریسبرگ^۵، ۱۹۹۸: ۱۸۳؛ و بلومفیلد^۶، ۲۰۰۶: ۱۳). تنها بعد از استحکام بخشیدن به همزیستی میان گروه‌ها (همزیستی حداقلی) امکان حرکت تدریجی در جهت ایجاد روابط میان گروهی هماهنگ‌تر و مسالمت‌آمیزتر و حتی دست‌یابی به سازش و آشتی میان گروه‌ها وجود دارد. از این رو باید به چیزی فراتر از همزیستی حداقلی میان گروه‌ها اندیشید و آن تلاش برای دست‌یابی به سازش

-
- 1- education for peaceful coexistence
 - 2- reconciliation
 - 3- Khaminwa
 - 4- Cohen
 - 5- Kriesberg
 - 6- Bloomfield

میان گروه‌هاست (بارتال و بنیک^۱، ۲۰۰۴: ۳). پس با پیوستاری از همزیستی مواجه‌ایم که برخی از صاحب نظران به نقطه آغازین (همزیستی حداقلی)، برخی به نقاط میانی (سازش میان گروه‌ها) و برخی نیز به نقطه انتهایی (همزیستی حداکثری) آن تمرکز می‌کنند. ما در این مقاله برای اینکه معنا و مفهوم جامع‌تری از همزیستی به دست دهیم و از سه مؤلفه‌ی مذکور استفاده نماییم، اصطلاح همزیستی مسالمت‌آمیز یا صلح‌آمیز^۲ را به کار می‌بریم. این اصطلاح به طور همزمان به عناصر سه اصطلاح مذکور اشاره دارد. ماهیت سه اصطلاح مذکور در ضمن توضیح اجزاء مفهومی همزیستی مسالمت‌آمیز به مثابه‌ی هدفی تربیتی تبیین خواهد شد.

همزیستی مسالمت‌آمیز به مثابه هدفی تربیتی

در کار تعلیم و تربیت، اهداف به صورت عبارات کلی هستند که نتیجه‌های مطلوب را توصیف می‌کنند؛ خود هدف موردی نیست که باید در کلاس آموزش داده شود بلکه چهارچوبی است که درون آن محتوا، مهارت‌ها، فرایندها و نگرش‌ها برای تدریس مشخص می‌شوند؛ اهداف الهام‌بخش اعمال آموزشی هستند.» (بختیار نصرآبادی و نوروزی، ۱۳۸۲: ۸۸). در شرایط کنونی که در سطوح ملی و بین‌المللی خشونت‌های شدید بین اقلیت‌ها و اکثریت‌ها و بین گروه‌های قومی و مذهبی و سیاسی رخ می‌دهد، صاحب‌نظرانی مانند بارتال (۲۰۰۴: ۱۳) دست‌یابی به همزیستی را هدف اجتماعی مهمی^۳ برای کلیه سازمان‌های جامعه و روپسینگه (۲۰۰۸: ۶) همزیستی را هدفی مشروع^۴ و افرادی نظیر مینو^۵ (۲۰۰۲: ۳)، مارتینز و گارسیا^۶ (۲۰۰۷: ۳)، ریردان^۷ (۲۰۰۲: ۱)، شوپس‌فورت^۸ (۲۰۰۵) و سینکلر^۹ (۲۰۰۴) آموزش در راستای تحقق همزیستی را به عنوان هدفی تربیتی اعلام داشته‌اند.

1- Bennink

2- peaceful

سلم از صلح والاتر و در برگیرنده‌ی آنست، از این رو به جای صلح‌آمیز از مسالمت‌آمیز استفاده شده.

3- important societal objective

4- legitimate goal

5- Minow

6- Martínez & García

7- Reardon

8- Schweisfurth

9- Sinclair

مبانی همزیستی مسالمت‌آمیز به مثابه هدفی تربیتی

انتخاب هدف‌های تربیتی یکی از موضوع‌های اساسی در فلسفه‌ی تعلیم و تربیت است. فیلسوفان آموزش و پرورش در بررسی هدف‌های تربیتی مبانی آنها را مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌دهند. در این مقاله نیز سعی می‌شود مبانی علمی، فلسفی و اسلامی تعیین «همزیستی مسالمت‌آمیز» به عنوان هدفی تربیتی بررسی و تبیین گردد.

۱- مبانی علمی

شواهد پژوهشی ضرورت توجه به همزیستی به مثابه یک هدف تربیتی را در مدرسه نشان می‌دهند. خشونت در مدرسه نقطه‌ی مقابل همزیستی مدرسه است. یافته‌های گزکیوز^۱ (۲۰۰۵: ۱۰۳) در مدارس اروپا و نتیجه‌های دون‌چینی^۲ (۲۰۰۸) در آمریکا نشان داده که خشونت در مدرسه و تعارضات مخرب در روابط بین دانش‌آموزان و حتی میان معلمان و دانش‌آموزان، آموزش مهارت‌ها و ارزش‌های همزیستی مسالمت‌آمیز را در مدرسه ضروری جلوه می‌دهد. فیتزداف^۳ (۲۰۰۹: ۱) و هریس^۴ (۲۰۰۴: ۱۵) نیز بر آموزش همزیستی در قالب دوره‌های تخصصی و یا بهره‌گیری از ظرفیت بیشتر کتاب‌های درسی تأکید کرده‌اند.

نگارندگان^۵ این سطور در پژوهشی پیمایشی با استفاده از برخی از شاخص‌های سنجش خشونت مدرسه‌یی که متناسب با فضای معمول مدارس متوسطه شهر اهواز بود، اقدام به بررسی الف) میزان خشونت در مدرسه، ب) شناسایی برخی علل وقوع خشونت مدرسه‌یی و ج) مطالعه برخی از موارد کاهش میزان پرخاشگری و خشونت در مدارس متوسطه از دیدگاه کارکنان زن و مرد و دانش‌آموزان دختر و پسر سال اول دبیرستان نمودند. نتیجه‌های این پژوهش پیمایشی نشان می‌دهد که باید آموزش همزیستی مسالمت‌آمیز را همانند هدفی تربیتی قلمداد کرد و به طور عاجل در راستای تحقق آن برنامه‌ریزی و فعالیت نمود، زیرا اغلب شاخص‌های سنجش خشونت بدنی و زبانی و بسیاری از علل وقوع خشونت و پرخاشگری در روابط بین دانش‌آموزان به طور چشمگیری در مدارس دخترانه و پسرانه وجود دارد و معلمان

- 1- Gázquez
- 2- Don Chaney
- 3- Fitzduff
- 4- Harris

و مدیران و مشاوران مدارس، هم صدا با خود دانش‌آموزان به میزان بالای خشونت مدرسه‌یی اذعان دارند و آموزش همزیستی را راه چاره‌ی آنها می‌دانند.

۲- مبنای فلسفی

تعیین هدف تربیتی، وابسته به نوع نگرش به جهان، انسان، شناخت، و ارزش است. در اینجا به اختصار، برخی از ایده‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی مکتب عملگرایی که حامی همزیستی مسالمت‌آمیز همچون هدفی تربیتی است ارایه می‌شود.^۱

تصویر جامعه دموکراتیک دیویی همان جامعه بهره‌مند از روابط مثبت و صلح‌آمیز و پذیرنده‌ی اصول همزیستی - مانند برابری، آزادی، به رسمیت شناختن تنوع و پذیرش چند فرهنگی، ارزش‌گذاردن به دیگران و اتخاذ روش‌هایی غیرخشونت‌آمیز در تعاملات فرهنگی و گفت‌وگوهای مذهبی و قومی - است. این تصویر در *هستی‌شناسی عملگرایی* صراحتاً الهام‌بخش ایده‌های پشتیبان همزیستی است. نکته قابل توجه این که آموزش و پرورش در جامعه‌ی دموکراتیک مورد نظر دیویی باید به گونه‌یی باشد که مردم در امور اجتماعی مداخله کنند. یعنی در راستای بهبود جامعه فعالانه شرکت کنند. این امر جز در سایه‌ی زیست مسالمت‌آمیز میسر نمی‌شود. مهم‌ترین اشاره‌های دیویی در زمینه‌ی تعلیم و تربیت برای تحقق همزیستی، به نظر وی درباره‌ی نقش آموزش و پرورش در ایجاد حس همزیستی گروهی مربوط می‌شود (گوتک، ۱۹۹۷: ۱۴۲). او مدرسه و آموزش و پرورش را تأیید می‌کرد که حس زندگی گروهی را تجدید و بازسازی کند. دیویی بر نقش مدرسه در جامعه‌سازی یعنی اثر آموزش مدرسه‌یی بر اصلاحات اجتماعی خوش‌بین بود. وی بازسازی تجربه را که در واقع محور و زیربنای

۱- نگاهی گذرا به آراء مکاتب فلسفی نشان می‌دهد که بعضی از آنها نسبت به ایده همزیستی مسالمت‌آمیز بی‌تفاوتند در حالی که در بعضی از مکاتب به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به مضامین همزیستی پرداخته شده است. مرور کلی آراء تربیتی مکاتب مختلف نشان می‌دهد که در مکاتب کودک محور مانند طبیعت‌گرایی و عملگرایی، و نظریه‌های پیشرفت‌گرایی و بازسازی اجتماعی که از این مکاتب مشتق شده‌اند، بر بُعد عاطفی و نگرشی متعلمان، بیش‌تر از مکاتب سنتی موضوع محور تأکید می‌شود؛ به همین رو می‌توان با استفاده از آنها، مبانی فلسفی تربیتی مرتبط و مناسب‌تری را برای همزیستی صورت‌بندی و ارایه نمود. همچنین با تأمل در مبانی فلسفی اگزیستانسیالیسم و پست مدرنیسم، می‌توان شواهد و پیام‌های آشکاری را در پیوند با همزیستی و در حمایت از آن به مثابه هدفی تربیتی ارایه داد؛ ولی در اینجا به منظور پرهیز از اطاله کلام از ذکر آنها خودداری شده است.

معرفت است واجد وجه اجتماعی می‌داند. همچنین توجه به روش علمی حل مسأله در تدریس و تحقیق و کاربری آن جهت حل مسائل فردی و اجتماعی روز مانند خشونت در مدرسه و جامعه در معرفت‌شناسی عملگرایی، و تلاش برای کاربری ارزشگذاری آزمایشی در ارزش‌شناسی عملگرایی به منظور ارزیابی ارزش‌ها و در صورت نیاز حذف ارزش‌های حامی خشونت و تعارض، همگی از همزیستی مسالمت‌آمیز همانند هدفی تربیتی حمایت می‌کنند. همچنین دیویی ارزش‌های وفاق آفرین را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۳- مبنای اسلامی

در هستی‌شناسی اسلامی، آدمی جزء جدا مانده از کل هستی نیست. ایده‌ی توحید ما را به یک نگاه وحدت‌گرایانه نسبت به کل هستی دعوت می‌کند. از این روست که در آموزه‌های اسلامی، حرکت و اعمال دسته‌جمعی و عبادت در جمع که لازمی آن برقراری تعامل مسالمت‌آمیز با دیگران است، سفارش شده است. تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز در اجتماع، به بستری اشاره می‌کند که در آن همگان امکان می‌یابند در جهت خلقت خود، که عبادت و رسیدن به مقام عبد صالح است (ذاریات: ۵۶)، گام بردارند. همچنین می‌توان الزام در برقراری همزیستی اجتماعی و تلاش برای تحقق آشتی را با این قاعده که «در اسلام اصالت با صلح است نه جنگ» تبیین کرد. علاوه بر این‌ها، در هستی‌شناسی اسلامی شأن و جایگاه انسان سبب شده که تنها دین مشترک، زمینه‌ی با هم‌زیستن را تشکیل ندهد، بلکه انسان بودن^۱ نیز، زمینه‌ی برقراری ارتباط متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز و بهره‌مندی از خدمات متقابل باشد. به این نکته‌ی مهم در نامه‌ی امیرالمؤمنین علی علیه السلام به مالک اشتر توجه شده است. امام (ع) می‌فرماید: «ای مالک! با همه‌ی مردم دوست و مهربان باش ... زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ی بردار دینی و دسته‌ی دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند^۲؛ در این نامه، همزیستی با «پیروان ادیان دیگر»، و همزیستی با «مردم» به خاطر انسان بودن‌شان و برابری‌شان در خلقت توصیه شده است. این تفکر نفی‌کننده‌ی نژادپرستی، خود برترینی و تأیید‌کننده‌ی برابری و برادری

۱- از دیدگاه اسلام انسان چون مخلوق خداوند و از روح الهی برخوردار است، ذاتاً دارای ارزش است. بنابراین احترام به او و رعایت حقوق او همه با ارزشند.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

همه ملت‌هاست. بنابراین در اسلام، معیار همزیستی انسان‌ها در نگاه اول هم‌مسلمکی نیست بلکه ماهیت مشترک و هویت واحد انسان‌ها محور برقراری ارتباط و الفت میان مردم است. همچنین در جهان‌بینی اسلامی تحمیل دین بر افراد پذیرفته نیست و پذیرش اسلام پیش شرط حضور در جامعه‌ی اسلامی نمی‌باشد، به همین رو امکان وقوع تعارضات ویرانگر بر سر دین در جوامع اسلامی محدود می‌گردد. یکی از آموزه‌های *معرفت‌شناسانه* اسلامی حامی تحقق همزیستی اجتماعی این است که انسان برای اینکه خدا را بپرستد، به شناخت او نیازمند است و چون انسان در معرض غفلت و نسیان قرار دارد باید پیوسته هدفش را به او تذکر داد (ذاریات: ۵۶-۵۵). روشن است که تربیت و راهنمایی افراد در اجتماعات دور از خشونت نیز آسان‌تر است؛ با وجود جنگ و خون‌ریزی امکان کسب معرفت برای انسان محدود می‌شود. نکته‌ی که در *ارزش‌شناسی* اسلامی از ترویج آموزه‌های همزیستی پشتیبانی می‌کند این است که برقراری صلح عادلانه^۱ میان افراد و گروه‌هایی که با یکدیگر تعارضاتی داشته‌اند ارزشی اساسی قلمداد می‌شود. همچنین از نظر اسلام همزیستی و آشتی میان مردم ارزش و هدفند زیرا با فطرت الهی انسان سازگارند و در موقعیت آشتی، رشد و تعالی انسان و تفاهم برای رسیدن به توافقات، و سرانجام رسیدن به یگانگی آیین بشری و گرایش به حق امکان پذیرتر است. نتیجه اینکه همزیستی مسالمت‌آمیز با توجه به هر سه منبع یعنی علم، فلسفه و دین هدفی تربیتی است.

همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه الگوی کامل‌تر همزیستی

یافته‌های ابونیمر (۲۰۰۴) در فلسطین اشغالی مؤید این است که مادام که حقوق ابتدایی عرب‌های مسلمان- مانند حق داشتن سرزمین، و برخورداری از بهداشت و رفاه و شغل و درآمد- توسط رژیم صهیونیستی *اعاده نشود* کلیه فعالیت‌های آموزش همزیستی با شکست مواجه خواهند شد، همان‌گونه که تاکنون مواجه شده است. همچنین در چارچوب آموزش همزیستی، وقتی تلاش‌های تربیتی به این منظور است که الف) افراد و گروه‌هایی که با یکدیگر روابط خصمانه‌ی داشته‌اند بیاموزند که به یکدیگر احترام بگذارند و از همکاری، تفاهم و اتکای به یکدیگر استقبال کنند و قدردان تنوع فرهنگ‌هایشان باشند (همزیستی حداقلی)، و

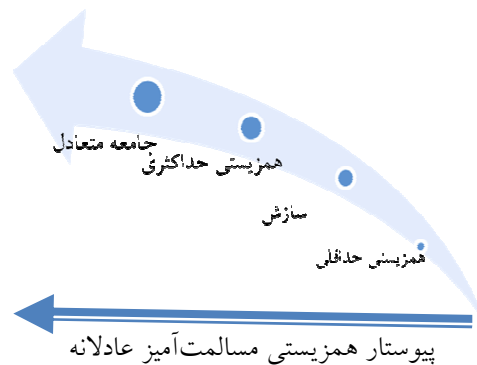
ب) در جستجوی راه‌های برقراری روابط متقابل مستحکم جهت حل مسائل فی مابین خود باشند (سازش)، و ج) تلاش برای تغییر نگرش‌های منفی گذشته‌ی خود و درونی‌سازی مهارت‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای حامی زیست مسالمت‌آمیز ادامه داشته باشد (همزیستی حداکثری)، به نظر می‌رسد این گام‌های آموزشی با یک کاستی مهم مواجه‌اند. مطابق تأکید قرآن بر برقراری صلح عادلانه، اجرای عدالت رمز پیشرفت همزیستی و دست‌یابی به روابط مشترک و مسالمت‌آمیزتر است. از این رو، به نظر می‌رسد توجه به اصل عدالت و زدودن مظاهر تبعیض در اجتماع باید بر همه‌ی موارد فوق حاکم باشد تا موجبات تحقق همزیستی و آشتی پایدار فراهم گردد. بنابراین بهتر است از اصطلاح «همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه» استفاده شود. این اصطلاح آشفتگی واژه شناختی در زمینه‌ی تعریف همزیستی را مرتفع و مفهوم آن را کامل‌تر می‌نماید.

چارچوب مفهومی همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه به مثابه هدفی تربیتی

در این مقاله چارچوب مفهومی همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه به مثابه هدفی تربیتی در چهار گام پیوسته و مترتب در نظر گرفته شده است. الگوی زیر (شکل ۱) با فرض اینکه میان گروه‌های -قومی، مذهبی و سیاسی- درون یک کشور، تعارض‌ها و خشونت‌های شدیدی رخ داده باشد از چهار گام پیوسته و بالارونده تشکیل می‌شود. این الگو با گام مقدماتی آموزش همزیستی حداقلی عادلانه در میان گروه‌ها شروع می‌شود. با گام آموزش برای تحقق سازش عادلانه و سازگاری میان اعضای گروه‌هایی که همزیستی حداقلی را پذیرفته‌اند به پیش می‌رود؛ سپس به آموزش در راستای ایجاد همزیستی حداکثری عادلانه در اجتماع می‌رسد. این فرایند نهایتاً به تلاش برای تشکیل جامعه‌ی متعادل یا جامعه‌ی سالم و حفظ ثبات آن خاتمه می‌یابد. شرط پیشرفت از یک مرحله به مرحله بالاتر در این پیوستار، رعایت عدالت^۱ است. اگر عدالت و برابری میان گروه‌ها برقرار نشود، با اعمال قدرت و فشار گروه قوی‌تر، همزیستی

۱- مفهوم عدالت که در این الگو مدنظر است با توجه به جهان‌بینی اسلامی لحاظ شده است. عدل در لغت در مقابل ظلم و جور آمده است. امام علی(ع) می‌فرماید: العَدْلُ یَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا ... وَالْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌ ... فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَأَفْضَلُهُمَا: عدالت، هر چیزی را در جای خود می‌نهد ... عدالت تدبیر عمومی مردم است ... پس عدالت شریف‌تر و برتر (از جود و بخشش) است (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷).

تحمیلی میان گروه‌ها به وقوع می‌پیوندد که در آن گروه ضعیف‌تر، مقهور شده و با اکراه سازش را می‌پذیرد.



شکل ۱. چارچوب مفهومی همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه به مثابه هدفی تربیتی

در همزیستی تحمیلی، چون احقاق حقوق صورت نگرفته، احتمال وقوع اعمال خشونت‌آمیز جهت دستیابی به حقوق تضییع شده منتفی نخواهد بود. حامیان پیوستار «همزیستی، سازش و آشتی»، ضمن این که یک نقطه نهایی و آرمانی را برای آن تصور نمی‌کنند، متأثر از ایدئولوژی‌های لیبرال دموکراسی، بیش از آن که به عنصر عدالت تأکید کنند، به پذیرش آزادانه همدیگر اصرار می‌ورزند.

بنابراین، افزودن عنصر تلاش تربیتی برای دستیابی به جامعه متعادل در این الگو، در واقع اصلاح‌کننده‌ی اندیشه‌ی لیبرالیستی و ضامن تحقق یکی از آرمان‌های اصیل فرهنگ بشری قلمداد می‌شود؛ و این عنصر در الگوی حاضر بر این فرض متوقف است که نهاد تربیت - و آموزش مدرسه‌یی - تنها با وجود شرایطی در جامعه، می‌تواند به تدریج بر جامعه پیرامون خود اثر بگذارد و در پرورش انسان‌های منصف و در تحقق جامعه متعادل و عدالت محور نقشی مؤثر ایفا کند.^۱ در ادامه اجزاء مفهومی همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه به مثابه هدفی تربیتی توضیح داده می‌شوند.

۱- این نکته یادآور فصل مشترک بین مدرسه و جامعه در نظریه‌ی تربیتی بازسازی اجتماعی است.

الف) تعلیم و تربیت در راستای همزیستی حداقلی عادلانه

آموزش برای همزیستی^۱ حداقلی به فرایندی مربوط است که به موجب آن اعضای جامعه به باورها، نگرش‌ها و رفتارهایی که با ایده‌های همزیستی همخوانی دارند، احترام بگذارند (بارتال، ۲۰۰۴: ۲). این معمولاً یک فرایند تغییر اجتماعی است، زیرا آموزش برای ایجاد همزیستی حداقلی نوعاً وقتی ضرورت پیدا می‌کند که اعضای جامعه به ایده‌هایی متضاد با اصول همزیستی معتقد باشند. وقتی که آنان دارای ذهنیتی روانی-اجتماعی باشند که مؤدی به تعارض با گروه دیگر، یا تبعیض و یا استثمار گروه دیگر باشد، برای رسیدن به همزیستی حداقلی به عنوان یک حالت جدید از روابط میان گروه‌ها، تغییر این ذهنیت منفی لازم است؛ این تغییر از طریق تعلیم و تربیت انجام می‌شود (همان، ص ۱۵). در ادامه به عناصر اساسی همزیستی حداقلی و ارزش‌ها، مهارت‌ها و رفتارهایی که باید آموزش داده شوند تا همزیستی حداقلی تأمین گردد اشاره می‌شود.

۱) عناصر اساسی همزیستی حداقلی شامل به رسمیت شناختن موجودیت گروه دیگر با وجود تفاوت‌هایشان در ابعاد هدف‌ها، ارزش‌ها، ایدئولوژی، دین، نژاد، ملیت، قومیت، فرهنگ، و حوزه‌های دیگر؛ به رسمیت شناختن تنوع و ارزش گذاردن به دیگران؛ شخصیت دادن به اعضای گروه دیگر؛ عدم برتری انگاری گروه خود؛ عدم کاربست شیوه‌های خشونت‌آمیز در مواجهات و آمادگی برای اتخاذ شیوه‌هایی مانند مذاکره برای حل مسائل فی مابین است.

یک رویکرد آموزشی که زمینه‌ی تحقق همزیستی حداقلی را فراهم می‌کند **آموزش حقوق بشر است**. فرض اساسی این رویکرد، همان فرض‌های بنیادین جنبش حقوق بشر است^۲. جنبش حقوق بشر و آموزش حقوق بشر سعی در رهانیدن مردم از تعارض‌ها، ظلم‌ها،

1- education for coexistence

۲- در جمله نخست منشور جهانی حقوق بشر آمده است: احترام برای حقوق بشر و شأن و منزلت بشر «اساس آزادی، عدالت و آشتی در جهان است». بند ب ماده‌ی ۲۶ اعلامیه‌ی حقوق بشر می‌گوید آموزش و پرورش باید به طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را به حد اکمل رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حُسن تفاهم، گذشت و احترام عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت‌های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد را در راه حفظ صلح، تسهیل نماید.

و تبعیض‌های خاص از طریق تعهد به ایده‌آل‌های گسترده‌تر دارند. این دو بر منزلت و شأن انسان تأکید می‌کنند. عقیده‌ی بنیادی فعالان حقوق بشر و مربیان حقوق بشر این است که افراد، گروه‌ها، ملت‌ها و همه مردم می‌توانند به بهبود زندگی همه کسانی که آرزوی برابری و آزادی دارند کمک کنند (مینو، ۲۰۰۲: ۹). آموزش حقوق بشر، تفاهم بین فرهنگی را به منظور کاهش تصورات غلط و دشمنی‌های میان گروهی به عنوان یکی از هدف‌های خود برگزیده است. زیرا ناآگاهی میان فرهنگی و دشمنی‌های ناشی از آن باعث وقوع خشونت‌های ویرانگر بین گروه‌ها شده است. این آموزش تلاش می‌کند تا با از میان برداشتن تصاویر دشمنی از اذهان دانش‌آموزان، تصورات کلیشه‌ی از دشمن را از ذهنیت آنان زدوده، نوع رابطه و نگرش‌ها میان اعضای گروه‌ها را تغییر دهد تا نهایتاً اعضای گروه‌های دیگر پذیرفته شوند و انسانیتی که در درون همه‌ی افراد وجود دارد مورد احترام قرار گیرد (هریس، ۲۰۰۴: ۹).

حال باید پرسید برای تحقق همزیستی حداقلی آموزش چه ارزش‌ها، مهارت‌ها و رفتارهایی ضرورت دارند؟ (۲) آموزش برای همزیستی حداقلی باید به ارزش‌هایی نظیر موارد زیر تمرکز نماید: آموزش در راستای پذیرش تنوع فرهنگی به خاطر پتانسیل‌های مثبتش در حل برخی مسائل، احترام به موجودیت و مشروع دانستن اعضای گروه‌های دیگر، توجه به شأن و منزلت انسانی اعضای گروه‌های دیگر، ارزشمند دانستن برابری انسان‌ها و تلاش فعالانه در جهت تحقق آن؛ عدم استفاده از شیوه‌های خشن و عدم کاربرد سلاح در مواجهه با تعارض‌های میان گروهی، استقبال از اتکا و وابستگی متقابل میان گروه‌ها، احترام به حقوق بشر، احترام گذاشتن به خود و دیگران و احترام به مراجع قانونی و پذیرش حق دیگران در داشتن عقاید مخالف یا متضاد، مخالفت کردن با تبعیض و بی‌عدالتی (دانشگاه برن‌دیز^۱، ۲۰۰۹: ۲؛ سینکلر، ۲۰۰۴: ۵۲؛ فیتزداغ، ۲۰۰۵؛ خامین‌وا، ۲۰۰۵: ۶).

۳) مهارت‌ها و رفتارهایی که باید در راستای درونی کردن عناصر اساسی آموزش برای تحقق همزیستی حداقلی در مخاطبان مورد توجه قرار گیرند عبارتند از: آگاهی از احساسات خود و مدیریت احساسات و خشم خود، کنترل هیجانات و تعصبات خویش؛ درک دیدگاه دیگران؛ درک مسئولیت اجتماعی خود؛ شناخت مسأله، مهارت‌های جمع‌آوری اطلاعات و

حل مسأله؛ تعیین هدف‌های مثبت و واقعی؛ مهارت‌های تحلیل مربوط به اثر ارزش‌ها و نگرش‌های خود و دیگران بر روی انگیزش؛ تحلیل نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و باورهای اجتماعی و عامل‌های مؤثر بر اینها؛ مهارت‌های خود آگاهی شامل آگاهی از حقوق، ارزش‌ها، نگرش‌ها، قوت‌ها و ضعف‌های خود؛ درک شباهت‌ها و تفاوت‌های میان افراد و بین گروه‌ها (سینکلر، ۲۰۰۴: ۵۴).

۴) گفتیم که همزیستی حداقلی باید عادلانه باشد. سطح عدالت در گام همزیستی حداقلی نخست به این امر مربوط است که تعلیم و تربیت باید در جهت آگاه سازی مخاطبان نسبت به قاعده‌ی «تساوی در خلقت» که می‌تواند شالوده‌ی جامعه‌ی مسالمت‌آمیز باشد سامان‌دهی شود؛ قائل شدن ارزش یکسان و حقوق برابر برای انسان‌ها فارغ از برخی تفاوت‌ها، تا حدی می‌تواند زمینه‌های زیست مسالمت‌آمیز را فراهم سازد. دوم اینکه لازم است تعلیم و تربیت در جهت درونی‌سازی این امر مهم سامان یابد که افراد مسؤول و پاسخگوی آنچه که در قبال خود و دیگران انجام می‌دهند هستند (در دنیا و آخرت). توصیه‌ی امیرالمؤمنین علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام که می‌فرماید «آنچه را که برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسند» دعوت به برابر دانستن خود با دیگران و اجرای عدالت و رعایت انصاف و عدم ستمگری را در روابط اجتماعی نشان می‌دهد.

ب) تعلیم و تربیت در راستای سازش^۲ عادلانه

آموزش در راستای تحقق سازش درصدد است با گسترش ارتباطات میان اعضای گروه‌های مختلف جامعه، آنان را به مرحله‌ی همزیستی حداکثری برساند. سازش واسطه بین همزیستی حداقلی و حداکثری است. در مرحله‌ی آموزش برای تحقق سازش و برقراری رابطه میان اعضای گروه‌ها می‌توان زمینه‌ی دستیابی به همزیستی حداکثری را در اجتماع فراهم نمود. برای دست یافتن به همزیستی حداکثری، نظام مدرسه باید برای دانش‌آموزان دانشی را که درباره‌ی اصول سازش است فراهم نماید (برای مثال، شناختی درباره‌ی گروه دیگر، درباره‌ی دوره‌ی تعارض، درباره‌ی روابط مسالمت‌آمیز آینده، درباره‌ی ماهیت آشتی، و درباره‌ی

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱

حل تعارض). برنامه‌هایی را که بر ارتقای سازش میان گروه‌ها اثر مثبت گذاشته است می‌توان در آفریقای جنوبی و ایرلند شمالی دید؛ در آفریقای جنوبی مملو از تعارض، این آموزش‌ها معطوف به آموزش جوانان درباره‌ی حقوق بشر، و چگونگی پیشگیری از خشونت ساختاری و نابرابری اقتصادی است. در ایرلند شمالی نیز این آموزش‌ها می‌کوشد تفاهم متقابلی را که هدفش ایجاد یک فرهنگ آشتی واقعی در مدارس پروتستان و کاتولیک است به وجود آورد (بارتال و بنیک، ۲۰۰۴: ۲۹). در این کشور، برای سازش بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها، پایه‌های ششم تا هشتم دبیرستان‌ها از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ مؤظف بودند ارزش‌های پلورالیسم، عدالت اجتماعی، حقوق بشر، مسؤولیت‌های فردی و اجتماعی، و ارزش‌های دموکراسی را آموزش دهند و تقویت نمایند. برای تحقق سازش میان دانش‌آموزان این فرق مذهبی، برنامه‌هایی تا سال ۲۰۰۴ در سطح مدارس اجرا شده‌اند (سینکلر، ۲۰۰۴: ۹۵-۹۳). در ادامه به عناصر اساسی سازش و ارزش‌ها، مهارت‌ها و رفتارهایی که باید آموزش داده شوند تا سازش میان گروه‌ها تأمین گردد اشاره می‌شود.

(۱) مفاهیم و عناصر اساسی سازش که تعلیم و تربیت باید در راستای آن ساماندهی شود عبارتند از: آموزش در راستای برقراری رابطه با اعضای گروه دیگر؛ آموزش در راستای ایجاد یک رابطه همکارانه‌تر میان اعضای گروه‌های مختلف و بازتعریف روابط؛ بازسازی روابط طرفین در جهت یک آینده‌ی جدید با هم؛ آموزش در راستای شناخت و پذیرش متقابل علایق و هدف‌های مورد نظر طرفین در ایجاد روابط مسالمت‌آمیز میان گروه‌ها؛ آموزش در راستای رشد اعتماد متقابل گروه‌ها؛ آموزش برای تغییر (روانشناختی) انگیزش‌ها، هدف‌ها، باورها، نگرش‌ها، و احساسات اعضای گروه به منظور پذیرش گروه دیگر؛ آموزش برای درک علل تعارض میان گروه‌ها؛ آموزش برای فهم رسوم فرهنگی یکدیگر.

یک رویکرد آموزشی مهم که زمینه‌ی سازگاری و سازش را در اجتماع‌ها فراهم می‌کند ترویج تماس میان گروهی است. این رویکرد امکان کسب تجربه با افراد در گروه‌های دیگر را به دانش‌آموزان می‌دهد. از طریق تماس میان گروهی، افرادی که متعلق به گروه‌های نژادی، مذهبی یا قومی متفاوت هستند، می‌توانند بر کلیشه‌سازی غلبه کنند، و تجارب مثبت همکارانه و روابط برابر و پذیرش متقابل مطلوبی داشته باشند (مینو، ۲۰۰۲: ۱۰). در این رویکرد که به شیوه‌ی غیرمستقیم در آموزش سازش تأکید می‌شود، عقیده بر این است که صرف نزدیکی و

فرصت ایجاد دوستی با اعضای گروه‌های دیگر، از عامل‌های اصلی از بین بردن تعصب و کاهش تصورهای غلط قومی هستند. این رویکرد، با برقراری همکاری و تعیین هدف‌های مشترک بین اعضای گروه‌های مختلف قومی و مذهبی در کلاس درس، موجبات دوستی‌های فراقومی و تغییر نگرش و نهایتاً تحقق سازش و همزیستی حداکثری را فراهم می‌نماید.

۲) آموزش برای تحقق سازش باید به این موارد / *ارزش* قائل شود: شناخت و رسیدگی به ریشه‌های تعارض‌ها بین افراد و اجتماعات و تلاش برای حل تعارضات، امکان پذیر نمودن مذاکره بین طرفین (سینکلر، ۲۰۰۴: ۵۴)، همکاری برای دستیابی به هدف‌های مشترک، پشتیبانی از دیگران و مشارکت در حل مسالمت‌آمیز اختلافات، همدلی و رفتار دلسوزانه، متعهد بودن به عدالت اجتماعی^۱ و در محیط مدرسه ارزش قائل شدن به اموری مانند مبارزه با بی‌عدالتی، رفتار دوستانه و مؤدبانه با دیگران، احترام گذاردن به دیگران، قردانی از دیگران، صداقت داشتن در برابر دیگران، مواظب رفتار و گفتار خود بودن، اتخاذ روش گفت و شنود در مواجهه‌ها، کمک کردن به دیگران بدون چشم داشت، تلاش برای رسیدن به هدف‌ها، رعایت قوانین و مقررات مدرسه، خوش رفتاری با تازه واردها و رعایت حال ضعیف‌ترهای کلاس، و دفاع از حقوق همکلاسی‌ها (فونته، پرالتا و سانچز^۲، ۲۰۰۶: ۱۸۲).

۳) آموزش *مهارت‌ها و رفتارهایی* نظیر موارد زیر در برقراری سازش مؤثرند: آموزش مهارت‌های تعامل اجتماعی شامل خوب گوش دادن به سخن دیگران، مهارت‌های همکاری با دیگران و کار گروهی، مهارت‌های مذاکره با دیگران، همدلی با دیگران، مهارت‌های اعتماد سازی، تلاش برای برقراری ارتباط یک طرفه و دو طرفه با دیگران.

۴) سازش باید *عادلانه* باشد. در این مرحله اجرای عدالت به این امر مربوط می‌شود که حین تلاش برای ایجاد و برقراری رابطه‌ی مسالمت‌آمیز پایدار میان رقبای سابق- بر پایه‌ی حمایت واقعی اکثریت اعضای گروه‌ها از برقراری روابط جدید میان دو گروه- باید قاعده «برابری» به شیوه‌ی مسالمت‌آمیز مدنظر قرار گیرد که در آن حقوق تضییع شده هر یک از طرفین به خصوص طرفی که بیش‌تر آسیب دیده و یا به طور کلی طرفی که ضعیف‌تر است اعاده شود؛ اگر این قاعده رعایت نشود، تلاش‌ها برای تحکیم سازش و دستیابی به همزیستی

1- www.det.nsw.edu.au/policies

2- Fuente, Peralta and Sanchez

حداکثری با شکست مواجه می‌شود، اختلاف‌ها دوباره بروز می‌کنند و گروهی که به حقوقش نرسیده به انجام اعمال خشونت‌آمیز تمایل پیدا می‌کند. بنابراین سازش نیازمند **شکل‌گیری** باورها، نگرش‌ها، انگیزه‌ها، هدف‌ها و احساس‌های جدیدی است که حامی روابط مسالمت‌آمیز در اجتماع باشد. در مرحله‌ی سازش افراد و گروه‌ها باید بتوانند حقوق برابر خود را که احیاناً توسط رقیب یا گروه دیگر (گروه حاکم یا قوی‌تر) مورد تجاوز قرار گرفته اعاده کنند و امکان پاسداری از آنها را بیابند. در مرحله‌ی سازش میان گروه‌ها باید حق به حقدار برسد تا به تدریج زمینه‌ی آشتی پایدار یا دست‌یابی به همزیستی حداکثری فراهم گردد.

ج) تعلیم و تربیت در راستای همزیستی حداکثری عادلانه

مطابق مدلی که در این مقاله ارائه گردید آموزش برای همزیستی حداکثری هنگامی آغاز می‌گردد که گروه‌های مختلف اجتماع، همزیستی حداقلی و سازش را پذیرفته باشند و یا اینکه در جامعه به صورت طبیعی این دو وجود داشته باشند. یک مثال از همزیستی حداکثری در اجتماع عبارت از این است که آشتی پایدار میان گروه‌ها -در نتیجه‌ی شناخت و پذیرش متقابل، کوشش مشترک برای به وجود آوردن روابط مسالمت‌آمیز و رشد آن، ایجاد روابط مشترک سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر اساس برابری و عدالت، پرهیز از خشونت، اعتماد متقابل و نگرش‌های مثبت به یکدیگر، و حساسیت به در نظر گرفتن نیازها و علایق گروه دیگر- وجود داشته باشد. در بیان فوق **عناصر اساسی** همزیستی حداکثری ارائه شده‌اند. در محیط مدرسه نیز آموزش همزیستی حداکثری درصدد **شکل‌دادن** به جهان بینی دانش‌آموزان (ایجاد ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها، انگیزش‌ها، مهارت‌ها، و الگوهای رفتارشان) است، به شیوه‌ی که آنان را برای زیستن در یک دوره‌ی آشتی پایدار آماده کند (بارتال و بنیک، ۲۰۰۴: ۲۵). به علاوه این آموزش برای **رشد** نگرش‌ها و مهارت‌های جدید میان دانش‌آموزان (برای مثال، مهارت‌های تحمل، خودکنترلی، حساسیت و توجه به نیازهای دیگران، همدلی، تفکر انتقادی، و گشاده‌رویی^۱) در نظر گرفته شده است. در ادامه به منظور اشاره به برخی از **ارزش‌ها، مهارت‌ها و رفتارهای** مورد نیاز در مرحله‌ی آموزش برای تحقق همزیستی

1- openness

حداکثری به توضیح دو رویکرد آموزشی مهم در تحقق همزیستی حداکثری و تداوم آن در اجتماع می‌پردازیم.

(۱) **آموزش حل تعارض.** تمرکز عمده در آموزش برای تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز بر حل تعارض است. آموزش حل تعارض از مرحله‌ی مطالعه‌های مربوط به تلاش‌های بین‌المللی در جهت ایجاد آشتی بین نوجوانان تا مرحله‌ی مطالعه‌های مربوط به تلاش‌های بین‌المللی در جهت ایجاد آشتی بین کشورها را در بر می‌گیرد. در عرصه‌ی تعلیم و تربیت، آموزش حل تعارض درصدد است از تلقین قومی یا ناسیونالیستی در اجتماع‌های تربیتی جلوگیری کند و مهارت‌های دانش‌آموزان را در حل تعارض‌های فی مابین تقویت نماید. این آموزش شامل اندیشه‌های کلی درباره‌ی بهبود مهارت‌های ارتباطی، بهبود ظرفیت‌هایی در دانش‌آموزان برای توجه به نگرش دیگران، تقویت مهارت‌های روابط انسانی آنان همچون کنترل خشم، کنترل هیجانات آنی، آگاهی از احساس و ادراک دیگران، بیان افکار خود و حل مشکلات (مینو، ۲۰۰۲: ۱۳)، آموزش‌هایی درباره‌ی درک تعارض، مدیریت تعارض‌ها و حل تعارض‌ها به صورت منصفانه و مسالمت‌آمیز، توانایی در برقراری ارتباط با دیگران، توانایی‌های تفکر خلاق، و توانایی‌های تفکر انتقادی است (جونز، ۲۰۰۶: ۴). تعلیم چگونگی مذاکره کردن و برقراری ارتباط به دانش‌آموزان و چگونگی میانجی‌گری در تعارض‌ها می‌تواند ظرفیت‌های دانش‌آموزان را برای همکاری کردن و خویشن‌داری در تعارض‌ها بالا ببرد و بدان وسیله وقایع پرخاشگرانه را در مدرسه کاهش دهد (مینو، ۲۰۰۲: ۱۰).

(۲) **ترویج جامعه چند فرهنگی.** در بافت تلاش برای تحقق همزیستی، از آموزش و پرورش انتظار می‌رود که در راستای ایجاد جامعه‌ی چند فرهنگی نقش‌آفرینی کند. یعنی این نهاد، احترام و تفاهم بین فرهنگ‌ها، و راه‌های رفع تعارض‌های قومی، تعصب‌ها و تصورهای نادرست ناشی از تلقین‌های یک محیط فرهنگی خاص را آموزش و ترویج دهد. آموزش و پرورش چند فرهنگی موجب همزیستی، تفاهم، و همکاری نزدیک گروه‌های مختلف- نژادی، قومی و مذهبی- می‌گردد.

تاکنون در دو سطح همزیستی حداقلی و سازش میان گروه‌ها از ضرورت اجرای عدالت میان گروه‌ها سخن گفتیم. در سطح آموزش همزیستی حداکثری نیز، اجرای **عدالت** باید وابسته

به آموزش مهارت‌ها، ارتقای سطح دانش، و اصلاح و تغییر نگرش‌ها در راستای پروردن حس قوی عدالت‌جویی با اذعان به وجود تفاوت‌ها بین افراد و گروه‌ها در ابعاد مذهبی، قومی، سیاسی و ... باشد. در این سطح تمایل به اجرای عدالت باید دیدگاهی دقیق درباره‌ی آشتی عادلانه در اختیار افراد قرار دهد. یعنی افراد باید به تشخیص حق و ذی‌حق و رسیدن حق به ذی‌حق رهنمون و تشویق شوند و با تمام وجود خود بپذیرند که آشتی در سایه اجرای عدالت و رعایت حق همگان به دست می‌آید و در مقابل بی‌عدالتی مبارزه کنند.

د) جامعه متعادل

چهارمین و آرمانی‌ترین جزء همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه، تلاش نهاد تربیت در -جامعه‌یی بهره‌مند از همزیستی حداکثری عادلانه- در راستای تحقق یک جامعه‌ی متعادل است. هر چند عدالت‌گرایی مرحله‌یی نیست که بعد از مراحل بیاید و در همه گام‌های الگو وجود دارد؛ اما می‌توان انتظار داشت که عدالت به تدریج تجسم عینی‌تری پیدا کند. یک نمونه آنست که همه‌ی افراد و نهادهای اجتماع، ضمن احساس مسئولیت و رسالت **بکوشند** تا به واقع عدالت و برابری را در جامعه برقرار کنند و نیل به حداکثر خوبی‌ها برای همه‌ی افراد و گروه‌ها را میسر سازند. در این الگو اصطلاح جامعه‌ی متعادل به کار رفته تا معنایی فراتر از اجتماع‌های منسجم و یکپارچه -که اغلب مورد توجه صاحب نظران غربی است- در نظر گرفته شود. بنابراین مقاله‌ی حاضر آموزش همزیستی را به آرمان ایجاد جامعه‌ی متعادل گره می‌زند تا همواره آرمان‌گرایی به عنوان چراغ هدایت مسیر این آموزش و همانند ملاکی برای تحلیل، نقادی و ارزیابی مداوم راه رفته و راه پیش‌رو در حرکت به سوی این جامعه‌ی آرمانی باشد.

همانند سه گام مذکور، در جامعه متعادل نیز پرهیز از تبعیض و تعصبات نژادپرستانه، جلوگیری از نابرابری در دست‌یابی به فرصت‌ها و امکانات پیشرفت در ابعاد فردی و گروهی و رعایت حقوق همگان به منظور تضمین تحقق عدالت اجتماعی تعقیب می‌شود. عدالت‌محوری مانع پیدایش فاصله‌ی طبقاتی و تبعیض است؛ روابط ظالمانه، تبعیض و خشونت‌های ناشی از آن نقطه‌ی مقابل همزیستی است. تلاش برای تحقق عدالت در عصر ظهور حضرت مهدی (عج) و به وجود آورنده‌ی آرمانشهر واقعی نیز، جزء مهم‌ترین

مأموریت‌های ایشان است^۱.

رویکردهای تعلیم و تربیت در راستای همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه

برای تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه می‌توان دو رویکرد را باز شناخت: محدود (رویکرد مدرسه‌یی^۲) و گسترده (رویکرد اجتماعی^۳). در زیر این رویکردها توضیح داده می‌شوند.

الف) رویکرد آموزشی. رویکرد آموزشی بر روی آموزش همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه درون مدرسه تمرکز می‌کند. این رویکرد، نظام مدرسه‌یی را به عنوان عامل اصلی اجتماعی کردن^۴ در نظر می‌گیرد و بر کاربرد مدرسه جهت تغییر ماهیت روابط میان گروه‌های درون جامعه تمرکز دارد. رویکرد مدرسه‌یی برای ترغیب کردن کل جامعه نسبت به مهم دانستن ایده‌های همزیستی محدودیت‌هایی دارد، از این رو بر یک عامل یعنی جامعه‌پذیر کردن افراد تمرکز می‌کند؛ با این فرض که اجتماعی کردن بیش‌ترین اثر را بر ذهن و رفتار دانش‌آموزان دارد. به طور کلی آموزش همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه در رویکرد مدرسه‌یی هدفمند، برنامه‌ریزی شده، کنترل شده، اجباری و فراگیر است و برای این منظور طراحی و اجرا می‌شود که ارزش‌ها، انگیزش‌ها، باورها، نگرش‌ها، احساسات و الگوهای رفتاری در میان دانش‌آموزان ایجاد کند که منجر به همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه در مدرسه و جامعه گردد. در سطح عملی، این آموزش به انتقال دانش، خلق تجارب و رشد و پرورش مهارت‌هایی نیاز دارد که می‌تواند به توسعه‌ی ذهنیت روانی-اجتماعی کمک کند که ضمن آنها مردم رقیب یا گروه تبعیض شده را می‌پذیرند و به رسمیت می‌شناسند، احترام می‌گذارند و مشروع می‌دانند. البته برای دست یافتن به این هدف، نظام آموزشی به ایجاد آمادگی‌های عمده‌یی نیاز دارد.

۱- اندیشه ظهور منجی در اغلب ادیان وجود دارد. در اسلام شیعی نیز بحث اکمال دین با واقعه غدیر خم - رضایت خداوند از ولایت و ادامه نبوت- و به تبع آن با مهدویت رابطه دارد (تفسیر آیه ۳ سوره مائده و آیه ۵۵ سوره نور در کتاب تفسیر نور، قرائتی، ۱۳۸۷) و نهایتاً برپایی عدالت، در عصر ظهور دنبال می‌شود. در احادیث مربوط به امام (عج)، بر عدل گستری و ظلم ستیزی ایشان تأکید شده است.

2- school approach

3- societal approach

۴- اجتماعی شدن به معنای همسازی و همنوایی فرد با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های گروهی و اجتماعی است.

ب) **رویکرد اجتماعی.** رویکرد اجتماعی خود را به نظام مدرسه‌یی محدود نمی‌کند، ولی با تغییر دادن ذهنیت روانی-اجتماعی جامعه به طور گسترده مواجه می‌شود. فرض این است که به تغییر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کل جامعه نیاز وجود دارد. مدارس می‌توانند نقشی مهم در به وجود آوردن چنین تغییراتی ایفا کنند، ولی تنها یک عامل تغییر را تشکیل می‌دهند و تغییر اجتماعی عمده به مشارکت مؤسسات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، ارتباطات جمعی، رهبران و نخبگان نیاز دارد. از منظر رویکرد اجتماعی، مدارس در خلأ نیستند ولی یک بخش مکمل از جامعه‌اند، بنابراین آموزش همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه نمی‌تواند موفق شود مگر آن که در یک مقیاس اجتماعی گسترده فعال‌سازی شود.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، «همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه به مثابه هدفی تربیتی» بدین صورت تبیین و توجیه شد که متضمن آموزش ارزش‌ها، مهارت‌ها و رفتارهایی است که ذهنیت حامی خشونت مخاطبان را تغییر داده و زمینه را برای شکل دهی به نگرش‌های آنان جهت پذیرش زیست مسالمت‌آمیز در جامعه‌یی درگیر خشونت‌های ناشی از تعارض‌های گوناگون قومی، نژادی، عقیدتی، سیاسی و ... فراهم می‌سازد؛ و در آنان اشتیاق و تعهد جهت برقراری روابط همکارانه‌تر و صلح‌جویانه با دیگر گروه‌ها را و نهایتاً آمادگی جهت حرکت به سوی ایجاد یک جامعه‌ی متعادل ایجاد می‌کند. این هدف کلی به لحاظ مفهومی در برگیرنده‌ی مفاهیم آموزش همزیستی حداقلی، آموزش سازش و آموزش همزیستی حداکثری بر بستر عدالت می‌باشد و تحقق آن نیز مستلزم طی هر سه فرایند است و به لحاظ درجه نیز ضمن اینکه همزیستی مسالمت‌آمیز -همزیستی حداکثری- عادلانه پذیرفته شده، حرکت به سوی دستیابی به جامعه‌ی متعادل نیز در نظر گرفته شده است. درونی‌سازی ارزش‌ها، مهارت‌ها و رفتارهای موجد همزیستی مسالمت‌آمیز، ایده‌ی مهمی است که برنامه‌های آموزش همزیستی باید به منظور آن سازماندهی شود. درونی‌سازی به این معنی است که صرف ارایه‌ی دانش و مهارت‌ها در زمینه‌ی همزیستی به مخاطبان در حوزه‌ی شناختی کفایت نمی‌کند و باید تلاش صورت گیرد که ارزش‌ها، مهارت‌ها و رفتارهای موجد همزیستی در شخصیت فرد تبلور یابد و به

صفات پایدار او تبدیل شود تا در موقعیت‌های مختلف متناسب با نظام ارزشی خودش رفتار کند و حامی همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه باشد و از طرف دیگر به راحتی تحت تأثیر تلقین‌های حامی شیوه‌های خشونت‌آمیز قرار نگیرد. نکته‌ی دیگر اینکه لازم است منشأ و علل خشونت‌ها در روابط میان گروه‌ها (یا در سطح ملی) کشف شود و مبنای انتخاب امور و کارهای درست برای انجام دادن که طراحی برنامه‌های اثربخش با توجه به ارزش‌ها و مهارت‌های اساسی همزیستی است قرار گیرد تا به این وسیله نهایتاً دست‌یابی به هدف‌های مورد نظر که تغییر، اصلاح یا شکل‌دهی ذهنیت روانی-اجتماعی افراد است تسهیل گردد.

منابع

فارسی

- قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی ۱۳۸۰.
- بختیار نصرآبادی، حسنعلی و نوروزی، رضاعلی (۱۳۸۲). *راهبردهای جدید آموزشی در هزاره سوم (جلد ۱)*، قم: سماء قلم.
- گوتهک، جرال ال. (۱۹۹۷). *مکاتب فلسفی و آراء تربیتی*، ترجمه محمدجعفر پاک‌سرشت (۱۳۸۸)، تهران: سمت.
- نهج البلاغه* حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام (۲۳ ق. هـ - ۴۰ هـ). گردآوری شریف رضی (۳۵۹-۴۰۶ هـ)، ترجمه‌ی محمد دشتی (۱۳۸۸). تهران: پیام عدالت. چاپ دهم.
- قزائنی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. تهران: مؤسسه انتشارات درس‌هایی از قرآن.
- هاشمی، سیدجلال (۱۳۸۸). *بررسی همزیستی مسالمت‌آمیز به مثابه‌ی هدفی تربیتی و بازتاب آن در کتاب‌های درسی مقطع متوسطه آموزش و پرورش ایران*، رساله‌ی دکتری در رشته‌ی فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

لاتین

- Abu-Nimer, M. (2004). Education for Coexistence and Arab-Jewish Encounters in Israel: Potential and Challenges, *Journal of Social Issues*, 60, 2, 405-422.
- Bar-Tal, D. (2004) Nature, rationale and effectiveness of education for coexistence. *Journal of Social Issues*, 60, 253-271.
- Bar-Tal, D., & Bennink, G. H. (2004). The nature of reconciliation as an outcome and as a process. In Y. Bar-Siman- Tov (Ed.), *From conflict resolution to reconciliation* (11-38). Oxford: Oxford University Press.
- Bloomfield, D. (2006). *On Good Terms: Clarifying Reconciliation*. www.berghof-center.org.
- brandeis University in Massachusetts: The International Center for Ethics, Justice and Public Life (2009). www.brandeis.edu/coexistence.
- Cohen, C. (2004). *Creative Approaches to Reconciliation*, Waltham, MA: Brandeis University. www.brandeis.edu
- Don Chaney, J. (2008). *A Comprehensive Approach* (An Application Using the PRECEDE Model Framework). <http://hlth.tamu.edu>.
- Fitzduff, Mari (2005). Human *Security* (The What and the How?), Brandeis university, www.coexistence.com.
- Fuente, Jesús de la; Peralta, Francisco Javier and Sanchez, Maria Dolores (2006). Sociopersonal Values and Coexistence Problems in Secondary Education. *Electronic Journal of Research in Educational Psychology*, 9 (4), 171-200.
- Gázquez, José J. (2005). Assessment by Pupils, Teachers and Parents of School Coexistence Problems in Spain, France, Austria and Hungary: Global Psychometric Data. *International Journal of Psychology and Psychological Therapy*, 5 (2), 101-112.
- Harris, I. (2004). Peace education Theory. *Journal of Peace education*, 1 (1).
- Jones, Tricia S. (2006). *Conflict Resolution Education: The Challenge of Institutionalization* (Persistently Safe Schools Conference), Philadelphia: Temple University.
- Khaminwa, Angela Nyawira (2003). Coexistence, www.beyondintractability.org.

- Kriesberg, L. (1998). Coexistence and the reconciliation of communal conflicts. In E. Weiner (Ed.). **The Handbook of Interethnic Coexistence**. New York: Continuum. 182-198.
- Martínez, Juan López & García, Isabel Fernández (2007). *Coexistence in educational centres*, Ministry of Science and Education Spain.
- Minow, M. (2002). Education for Coexistence. *Arizona Law Review*, 44 (1), www.law.arizona.edu.
- Reardon, B. A. (2002). *Curricular content and skill development for learning to live together*, www.un.org.
- Rupesinghe, K. (2008). *What is Coexistence?* www.gppac.net/documents.
- Schweisfurth, M. (2005). Learning to live together: a review of UNESCO'S associated schools project network, *International Review of Education*, 51, 219-234.
- Sinclair, M. (2004). *Learning to live together: Building skills, values and attitudes for the twenty-first century*, Paris: Unesco.